



خطبه اول



هستید نمی‌خواهد، از همسایه تقاضا می‌کند یا از دیگری خواهش خودش را اظهار می‌کند. به شما برمی‌خورد: من پدرت هستم تو چیزی که می‌خواهی باید از من بخواهی. چرا از غیر من خواستی؟ این در مقام پدر فرزندی است. مسئله بندگی و مولا بالاتر از این است. اگر عبد از غیر مولا چیزی بخواهد، شخصیت مولا خدشه‌دار می‌شود؛ لذا نباید از غیر خدا چیزی بخواهد.



ریشه این مسئله توحید در دعا، که بزرگ‌ترین خاصیت عبودیت خالصانه ذات مقدس پروردگار است، به‌خاطر دو چیز است: اول اینکه انسان نباید به غیر خدا امید داشته باشد. مولا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«لا یرجون أحد منکم إلا ربه»^۱ امیدوار نباشد کسی از شما مگر به خدای خودش. از غیر خدا نباید امید داشت. امید انسان باید فقط به خدا باشد. «و الحمد لله الذی لا أرجو غیره و لو رجوت غیره لأخلف رجائی»^۲ در دعای ابوحمزه ثمالی به درگاه خدا عرضه می‌داریم: آن خدایی را ستایش می‌کنم که به‌غیر او امید ندارم. اگر امیدم به‌غیر این خدا بود، امیدم تخلف می‌شد. دوم اینکه انسان نباید خودش را به غیر خدا واگذار کند. اصل در بندگی خدا این است که من خودم را به خدا واگذار کنم. «و الحمد لله الذی وکلنی إلیه فأکرمنی و لم یکلنی إلی الناس فیهینونی»^۳ حمد برای خدایی که من به خود او واگذار شدم. خودم را به او واگذار کردم. او به من اکرام کرد. او من را محترم شمرد و گرامی داشت. موقعیت من را حفظ کرد. مرا محتاج نکرد. «و لم یکلنی إلی الناس فیهینونی» خدا من را به مردم واگذار نکرد.

من به هرکسی غیر از خدا واگذار بشوم، ذلیل او می‌شوم و مورد

اگر عبد از غیر مولا چیزی بخواهد، شخصیت مولا خدشه‌دار می‌شود؛ لذا نباید از غیر خدا چیزی بخواهد.

اهانت او قرار می‌گیرم؛ پس به‌غیر خدا واگذار نشوم. از غیر خدا هم درخواست نکنم؛ چون باید امید به‌غیر خدا نداشته باشم.

الحمد لله المتفرد بالکبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبیر الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمةً للوراء و أكمل الکملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أميرالمؤمنین علی ابن أبی طالب و أولاده المعصومین هم المحجّة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمی.

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جميع المؤمنين و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حیّهم و میّتهم و عنا و عن والدینا من الصلوات و التحیات زنة عرش الله و مداد کلماته و منتهی رضاه و عدد ما أحصاه کتابه و أحاط به علمه.

اللهم إنا نجدد له فی هذا الیوم و فی کل یوم عهداً و عقداً و بیعةً له فی رقابنا. اللهم كما شرقتنا بهذا التشریف و فضلتنا بهذه الفضیلة و خصصتنا بهذه النعمة فصل علی مولانا و سیدنا صاحب الزمان و اجعلنا من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و المستشهدین بین یدیه طائعين غیر مکرهین فی الصف الذی نعت أهله فی کتابک كأنهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم السلام. اللهم هذه بیعةً له فی اعناقنا الی یوم القیامة.

«توحید در دعا»، خاصیت عبودیت

یکی از نشانه‌های عبودیت و بندگی خالصانه در درگاه خدا، درخواست نکردن از غیر خدا و در درگاه خدا دعا کردن است که از آن در اصطلاح فرهنگی و اعتقادی ما تعبیر به توحید در دعا می‌شود. توحید در دعا یکی از ابعاد توحید است؛ یعنی فقط از خدا بخواهیم و از غیر خدا چیزی درخواست نکنیم. این توحید در دعا نشان عبودیت پروردگار است. نشان بندگی خالصانه درگاه ذات مقدس اله است. درخواست از غیر خدا در مقام عبودیت و بندگی خدا دو اشکال دارد:

اشکال اولش این است که آدمی که از غیر خدا چیزی می‌خواهد، به‌غیر خدا وابسته می‌شود و توحید وابستگی او از بین می‌رود. اشکال دوم این است که با توجه به اینکه ما بنده خدا هستیم، اگر از غیر خدا چیزی بخواهیم، از غیر مولا و اربابمان تقاضا کنیم، این خدشه‌دار شدن شخصیت مولا است. آقازاده جناب‌عالی خواسته‌ای دارد. از شما که پدر



می‌گویید: «یا زهرا علیها السلام»؛ پس چرا می‌گویید: «یا زینب علیها السلام»؛ پس چرا می‌گویید: «یا حسین علیه السلام»؛ پس چرا می‌گویید: «یا علی علیه السلام». پس الان غیر خدا را می‌خوانید! در سوره مبارکه فرقان شما می‌خوانید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ»^۵ عباد الرحمن، بندگان خدا، کسانی هستند که با خدا، اله دیگری را نمی‌خوانند. پس چرا می‌گویید: «یا زهرا علیها السلام». پس چرا می‌گویید: «یا علی علیه السلام»؛ پس یا علی علیه السلام، یا زهرا علیها السلام هم اشکال دارد!

اولاً آیه می‌گوید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ»، خدای دیگری را با خدا نخوانیم. ما امام رضا علیه السلام را به عنوان خدا نمی‌خوانیم. فاطمه زهرا علیها السلام را به عنوان خدا نمی‌خوانیم. امام حسین علیه السلام را به عنوان خدا نمی‌خوانیم. یا زهرا علیها السلام و یا حسین علیه السلام که می‌گوییم، این برای رسیدن به «یا الله» است. از دو حال خارج نیست، یا ما از خود امام رضا علیه السلام چیزی

ما هم از ائمه علیهم السلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تقاضایی که می‌کنیم، این [مصدق] تقاضای از غیر خدا نیست.

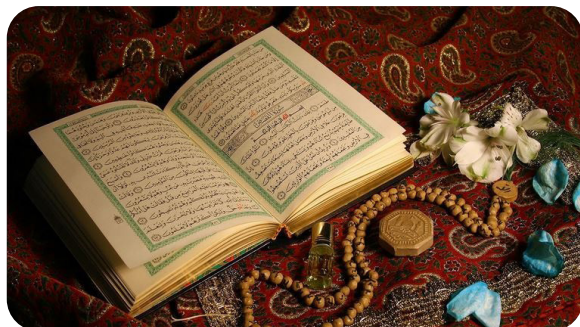
می‌خواهیم. خب چرا از خودشان می‌خواهیم؟ به‌خاطر اینکه خداوند متعال قدرت به ایشان داده است. ولایت مطلقه الهیه را خدا در اختیارشان گذاشته است. از این قدرت برای برآوردن حوائج بندگان من استفاده کن. پس در واقع از امام رضا علیه السلام که چیزی می‌خواهیم از آن قدرت و از آن اختیاری که خدا به ایشان داده چیزی می‌خواهیم، نه از خودشان فقط. ثانیاً من بنده‌ای هستم که ارتباطاتم را بریده‌ام با خدا. رابطه خودم را با خدا قطع کرده‌ام. من یا الله می‌گویم، نه اینکه خدا نمی‌شنود «یا الله» مرا، خدا می‌شنود؛



اما «یا الله» من آن قدر نفوذ ندارد که به درگاه خدا برسد. بین من و خدا فاصله شده است. «الإمام زین العابدین علیه السلام... و آنک

توحید در دعا را من باید توجه کنم.

یوسف پیغمبر علیه السلام با آن عزت و عظمت و صداقتی که در



عبودیت خدا به خرج داد، یوسف صدیق، بنده خاص خدا می‌شود. او به مجرد اینکه به فکر افتاد از غیر خدا تقاضا کند، مورد عذاب واقع شد. گوش مالی‌اش دادند. توبیخش کردند. وقتی که آن زندانی‌ها آمدند از دربار پادشاه، خواب‌هایشان را گفتند، تعبیر خواب یکی از آن‌ها این بود که او نجات پیدا می‌کند و تبرئه می‌شود. وقتی خواست از زندان بیرون برود، یوسف فکر کرد هفت سال در زندان مانده، زجر کشیده است. شکنجه‌اش داده‌اند. اذیتش کرده‌اند. حالا یک آقای درباری، به اصطلاح همه‌کاره پادشاه آمده، الان هم دارد بیرون می‌رود و آزاد می‌شود و تبرئه می‌شود و به مقام قرب در دستگاه سلطنت می‌رسد. پس لااقل یک وساطتی بکند، یوسف از شکنجه زندان خارج بشود. به او گفت: «اذْکُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ»^۴ یک کلمه. چیزی هم تقاضا نکرد، چیزی هم نخواست. گفت: وقتی رفتی پیش پادشاه، تبرئه شدی، من هم یادت بیايد که من هم در زندان به ناحق زیر شکنجه گرفتارم. جبرئیل بر یوسف نازل شد. به یوسف گفت: یوسف، تو را به چاه انداختند، چه کسی تو را از چاه بیرون آورد؟ گفت: خدا. جبرئیل گفت: یوسف، تو برده شدی، تو را فروختند. چه کسی در عین بردگی به تو عزت داد که به کاخ عزیز مصر راه پیدا کردی؟ گفت: خدا. جبرئیل گفت: یوسف تو در چنگ غریزه جنسی همسر عزیز مصر قرار گرفتی، چه کسی تو را نجات داد؟ گفت: خدا. جبرئیل گفت: همه‌جا خدا؛ اما اینجا تو به این شخص گفتی: «اذْکُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ» به خاطر همین یک کلمه، این زندان هفت‌ساله تو باید بشود زندان دوازده‌ساله. پنج سال دیگر باید در زیر شکنجه بمانی. چرا از من غیر خدا خواستی؟ و چرا خواسته‌ات از من غیر خدا بود؟

تولب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام

ما هم از ائمه علیهم السلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تقاضایی که می‌کنیم، این [مصدق] تقاضای از غیر خدا نیست. نگویید پس چرا



مال خداست، خدا مال او هست. همه فداکاری‌ها، همه جانفشانی‌ها، همه مجاهداتی که عزیزان ما امروز در این عرصه مقابله با دشمنان خدا دارند، همه برای خدا هست. پس خدا مال ما هست. چون خدا را داریم، هیچ کس به اندازه ما در عرصه وجود و هستی، قدرتمند نیست. باید این توحید در دعا را حفظ کنیم.

خدایا، به عزت و عظمت اولیائت، نقطه توحید کامل ما، چه در دعا و چه در سایر ابعاد توحید، نقطه فرج و ظهور مولایمان بقیه‌الله تعجیل بفرما.

ارواح مطهره شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از عبودیت و دلدادی ما به درگاه حق و مجاهدات ما در راه خدا بهره‌مند بگردان.

سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار.

.....
فهرست منابع:

۱. نهج البلاغه، حکمت ۸۲.
۲. مفاتیح‌الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی.
۳. مفاتیح‌الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی.
۴. یوسف، ۴۲.
۵. فرقان، ۶۸.
۶. سیدبن طاووس، الإقبال، ص ۱۵۸.
۷. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۷.



لا تحتجب عن خلقك، إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ (الآمال)
السيئه دونك»^۶

خدایا، تو بین خودت و بنده‌هایت پرده نینداخته‌ای، حجاب نشدی از بندگانت؛ اما اعمال بندگان پرده شده بین بنده و تو. «یاالله» من به جایی نمی‌رسد. از پشت دیوار تو را دارم صدا می‌زنم؛ اما برای اینکه یاالله من به خدا برسد و توان نفوذش را در اتصال به حق پیدا کند، اول می‌گویم: «یا زهرا علیها السلام»؛ چون زهرا علیها السلام، وصل به خداست. می‌گویم: یا امام رضا علیه السلام؛ چون امام رضا علیه السلام، وصل به خداست. از این طریق متصل می‌شوم و خدا را صدا می‌زنم نه اینکه امام رضا علیه السلام یک خدایی غیر خدا هست. پس «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ». این درست است. من اله دیگری را با خدا نخواندم و فقط خدا را صدا زدم؛ منتها با مقدمه‌ای که به وسیله این مقدمه، این صدای خودم را بتوانم به خدا برسانم؛ لذا آمدم صدا می‌زنم.

پشتوانه الهی مانع پیروز دشمن

عزیزان، آن موردی که ما باید توجه و باور کنیم خدا هست. باور کنیم خدا همه‌گونه قدرت دارد. باور کنیم از خدا هر چیزی بخوایم، اگر توحید در دعا باشد، فقط از خدا بخواهیم و به غیر خدا توجه نکنیم، خواسته ما برآورده است و خدا جواب ما را می‌دهد. الان مسئله اسرائیل و ایران نیست. مسئله جهان کفر و جهان استکبار و ایران است. دنیای استکبار، دشمن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، همه به جان ما افتاده‌اند. مسئله این است. همه چیز هم ممکن است داشته باشند. از نظر امکانات الکترونیک، از نظر امکانات دیجیتال، از نظر امکانات تجهیزات نظامی، ممکن است از همه چیز از ما برتر باشند؛ اما ما یک چیزی داریم که آنها ندارند: ما خدا داریم؛ اما دشمن ما خدا ندارد.

عزیزان من، چون ما خدا داریم، هیچ چیزی کم نداریم. هیچ

می‌گویم: «یا زهرا علیها السلام»؛ چون زهرا علیها السلام، وصل به خداست. می‌گویم: یا امام رضا علیه السلام؛ چون امام رضا علیه السلام، وصل به خداست.

قدرتی روی کره زمین با قدرت ما قابل موازنه نیست. چون هر چیزی که از قدرت فرض کنید، اینها همه‌اش در تحت حاکمیت الله هست. خود حاکم که خدا هست و حاکم بر همه قدرت‌ها، این قدرت خدا قدرت ما هست.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ»^۷ هر کسی



خطبه دوم:

دشمن با صلح تحمیلی به دنبال تجدید قوا و فریب ماست

سرکوبگری شدیدتر و سرسخت‌تر فراغت و فرصت پیدا کنند؛ لذا مقام معظم رهبری فرمودند: «ما نه تسلیم جنگ تحمیلی می‌شویم، نه تسلیم صلح تحمیلی می‌شویم.» تسلیم جنگ تحمیلی نمی‌شویم یعنی چه یعنی؟ یعنی علی‌ای حال اگر دشمن آغازگر جنگ شد، چند برابر قدرت تهاجمی‌اش ما سرکوبگری و دفاع در برابر دشمن خواهیم داشت و تا به امروز هم، رسانه‌های خارجی اعلام کردند بر اینکه برتری آتش مال ایران است. در هر حال، تمام این کشوری که به اندازه یک استان کوچک ایران هم نیست، با این ضربات موشکی رزمندگان قهرمان ما چیزی از او باقی نمانده و نمی‌ماند؛ لذا ما تسلیم جنگ تحمیلی نمی‌شویم. تسلیم صلح تحمیلی هم نمی‌شویم. دشمن می‌خواهد صلح کند بیشتر بر ما بتازد. می‌خواهد ما را به وسیله صلح فریب دهد و گول بزند؛ لذا فرمودند: «ما تسلیم صلح تحمیلی نخواهیم شد.» نکته دومی که مقام معظم رهبری دام‌عزیزه به ما امر فرمودند مسئله دستور مقاومت با استناد به آیه شریفه قرآن است.

«ما تسلیم صلح تحمیلی نمی‌شویم» چون صلح تحمیلی، صلحی است که دشمن می‌خواهد به ما تحمیل کند.

برادران و خواهران، این نکته را توجه کنید: مقام معظم رهبری تنها یک رهبر سیاسی در این کشور نیستند؛ یک

مقام معظم رهبری دام‌عزیزه در پیام تلویزیونی اخیر که ارائه فرمودند در فرمایش‌شان سه نکته وجود داشت که نکته‌های تکلیف‌ساز و در حقیقت دستورالعمل قاطع همگانی و عمومی بود. نقطه اولی که در این فرمایشات بود این بود که فرمودند: «ما تسلیم صلح تحمیلی نخواهیم شد.» خب کلمه «صلح» واژه مقدسی است که معمولاً مرادف عدالت و واژه‌های مقدس، دارای بار فضیلتی است و این تعبیر که ما تسلیم صلح نمی‌شویم، ممکن است بر بعضی از اندیشه‌ها سنگین بیاید؛ اما اگر صلح، صلح تحمیلی بشود، صلح تحمیلی از جنگ بدتر است؛ لذا فرمودند: «ما تسلیم صلح تحمیلی نمی‌شویم» چون صلح تحمیلی، صلحی است که دشمن می‌خواهد به ما تحمیل کند.

علتی که می‌خواهد صلح را به ما تحمیل کند این است که فراغتی پیدا کند، یک فرصتی به دست بیاورد تا تجدید قوا کند و خودش را آماده کند و با توان بیشتر شروع به سرکوبگری کند. دشمن اهل صلح نیست. تا به امروز امریکا و اسرائیل چند جا آتش بس داده‌اند و بعد بر سر آتش‌بس باقی مانده‌اند؟ اینها صلح را می‌خواهند تحمیل کنند و طرف را به عنوان صلح وادار کنند که دست از جنگ بردارد تا اینها برای تجدید قوا و برای اعمال و اجرای جریان‌های نابکارانه فجیع



خصوصیات شما مردم این است که کسی در این جنگ و در دوران هشت سال دفاع مقدس از شما سستی ندید. شما ترسید و شما مرعوب نشدید؛ ولی متأسفانه بعضی‌ها حتی بعضی از مسئولین حرف‌هایی می‌زنند که معلوم می‌شود، اینها سست شدند. پس این سستی عارضه اولیه جنگ است. قرآن می‌گوید «وَلَا تَهِنُوا» سست نشوید. مرعوب نشوید. ترسید. چرا بترسید. آدمی می‌ترسد که ضعیف باشد. تو که ضعیف نیستی. تو خدا داری و آن بدبخت خدا ندارد.

شهادت آغاز فتوحات ماست

عارضه دوم جنگ نگرانی، دغدغه، اضطراب و غصه است. غصه بخوریم؛ فرماندهان را از دست دادیم. دانشمندان هسته‌ای را از دست دادیم. سرمایه‌ها را از دست دادیم. خسارت‌ها دیدیم. همواره غصه بخوریم. مضطرب باشیم آخرش جنگ چه می‌شود. به کجا می‌رسد. چه خواهد شد.



قرآن می‌گوید: «وَلَا تَحْزَنُوا» غصه هم نخورید. اینهایی که ما از دست دادیم، بالاتر از این‌ها را ما قبلاً از دست دادیم، با شهادت آنها ما زنده شدیم، زنده ماندیم. ۴۵ سال از این انقلاب می‌گذرد، چقدر ما شهید دادیم. ما تا به الان از شهادت هیچ شهیدی ضرر نکردیم؛ بلکه شهادت هر شهیدی ما را قوی‌تر کرد؛ زندگی‌مان را بالاتر برد.

۷۲ مسئول کشور، یک شخصیت با عظمتی مثل شهید بهشتی - که الان سالگردشان است، ما اینها را از دست دادیم - در یک انفجار پودر شدند، ما زنده‌تر شدیم. قدرت بیشتری پیدا کردیم. دشمن اصلی خودمان در داخل، که مثل کرم داخلی داشت از داخل ما را می‌خورد، این منافقین ناپاک نامرد کافر و منافق افشا

مرجع تقلید و حجت امام زمان علیه السلام هستند، فتوا می‌دهند. مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری علیه السلام بر مبنای استنباط و اجتهاد مقام معظم رهبری و برگرفته از آیات قرآن و احادیث است. مقام رهبری علیه السلام در مقام استنباط و استخراج تکلیف از آیات قرآن و احادیث، رهنمود می‌دهند؛ نه اینکه فقط یک رهنمود سیاسی باشد. دستوره مقاومت که به ما دادند، این دستور مستند به آیه ۱۳۹ سوره مبارکه آل عمران است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» این آیه جزئیات مقاومت و خصوصیت مقاوت را هم مشخص کرده است.

آیه بعد از این آیه، یعنی آیه ۱۴۰ سوره مبارکه آل عمران خدا می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ» اگر در این جنگ شما خسارت دیدید، شما ضربه خوردید، دشمن شما هم ضربه خورد. دشمن شما هم خسارت دید. این‌طور نیست که شما خسارت دیده‌اید و دشمن شما سالم مانده؛ چه‌بسا در خیلی از ابعاد، خسارات دشمن از خسارات ما شدیدتر بوده است: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ» اگر شما خسارت دیدید، دشمن هم خسارت دید. این جمله را خدا کی می‌گوید؟ بعد از آیه‌ای که می‌گوید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ اگر شما خسارت دیدید، دشمن خسارت دید؛ اما با اینکه دشمن خسارت دید، شما هم خسارت دیدید، «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» این قرآن است. شما بالاترید. شما قوی‌ترید. نیرومندی شما بیشتر است.

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا» در عرصه جنگ دو چیز به سراغ آدم می‌آید: اول مرعوبیت در برابر دشمن. دشمن هم سعی می‌کند هم با عملیات روانی، هم با عملیات نظامی ما را مرعوب کند و بترساند. این تهدیدات جسورانه شیطانی شیطان بزرگ امریکای ناپاک برای چیست؟ برای اینکه ما را بترساند. ما را مرعوب کند. آدم وقتی مرعوب شد، سست می‌شود؛ خب زدند آقا، زور دارند، قدرت دارند، فناوری دارند، تجهیزات دارند، الکترونیک دارند، خب زدند ما را دیگر، پس ما چه کار کنیم. هیچ چیز؛ کم‌کم سست بشویم.

اگر در این جنگ شما خسارت دیدید، شما ضربه خوردید، دشمن شما هم ضربه خورد. دشمن شما هم خسارت دید.

ما این سستی را از مردم خوشبختانه نمی‌بینیم. یکی از



می‌شود یک جنگ. مردم زندگی می‌کردند کشاورزی‌شان را انجام می‌دادند؛ باغداری‌شان را انجام می‌دادند؛ زن و بچه‌شان زندگی می‌کردند؛ روزگارشان را می‌گذراندند. همه کار هم داشتند به جنگیدن هم می‌رفتند. زندگی عادی داشتند. این زندگی پیغمبر ﷺ بوده است. این تجربه رسول الله ﷺ است و لحظه به لحظه هم پیامبر ﷺ پیروز می‌شدند. خیبر را گرفتند. مکه را فتح کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام را فرستادند سرزمین یمن را جزء تیول^۲ اسلام درآوردند. با امپراطوری روم جنگیدند. در تبوک و موته، خب جنگ بود، زندگی هم زندگی عادی بود. ما امت این پیغمبر هستیم؛ لذا مقام معظم رهبری (دام‌ظله) فرمودند که زندگی عادی خودتان را داشته باشید.

چرا زندگی عادی را به هم بزنییم. چرا شهرها را تخلیه کنیم. چرا خانه‌هایمان را رها کنیم. برادران و خواهران! حواستان جمع باشد. دشمن دنبال همین است که فکر می‌کند اگر زندگی طبیعی و عادی شما را بر هم زد، شما دیگر در صحنه نمی‌مانید اگر شما در صحنه نمانید، این انقلاب و این نظام به زودی براندازی می‌شود. آنچه که مانع این براندازی هست، شماست. شما انقلاب را شما ۴۵ سال است ادامه دادید. هیچ عاملی جز شما نداشته است. خدا خواست چون شما خواستید. خدا خواست چون شما ایمان داشتید و الا در طول دوران‌های گذشته هم، این همه مغول آمدند، امیر تیمور آمد، آدم کش‌ها آمدند، قداره‌کش‌ها، کشورگشاه‌ها آمدند، قتل عام‌ها هم راه انداختند، چیزی هم نشد. چرا الان خدا قدم به قدم کمک می‌کند؛ چون شما خواستید شما خدا را خواستید. خدا هم شما را خواسته و چون شما با ایمانتان هستید، خدا هم هست و خدا و شما باعث هستید که انقلاب و نظام ادامه دارد. هیچ چیز دیگر عاملش نیست و دشمن می‌خواهد شما نباشید. شما را از صحنه بیرون کند و اگر شما از صحنه رفتید، همه‌طور خواهد شد و شما بر حسب ایمانتان قوی، مرد و مردانه بایستید.



و اخراج شدند. ما در این مملکت رئیس جمهور و نخست وزیر را یک جا از دست دادیم. برادر ما، نماینده ایران در سازمان ملل آقای جلالی می‌گفت: آقا ما صبح که داخل کریدورهای سازمان ملل آمدیم، دیدیم از این افرادی که مال کشورهای دیگر هستند، به ما سلام نمی‌کنند. ما سلام می‌کردیم جواب نمی‌دادند. گفتیم آقا چه شده؟ گفتند: تمام شد؛ شما که دیگر کشوری نیستید. رئیس جمهور و نخست وزیر را در جا زدند. تمام شد. رفت و در عین حال، ما زنده، قوی، برقرار ماندیم به جا.

ما که از شهادت تا حالا ضرر ندیدیم. هرچه شهید دادیم یک سرمایه عظیم شده برای ما. شهید ما مگر چیست. شهید ما چند لیتر خون بیشتر در بدنش که نبود.

**اینهایی که ما از دست دادیم، بالاتر از این‌ها
را ما قبلاً از دست دادیم، با شهادت آن‌ها
ما زنده شدیم.**

این چند لیتر خون از بدن شهید درآمد بر پیکره انقلاب و این نظام تزریق شد، این انقلاب با خون بیشتر ادامه پیدا کرد. خدا به ما می‌گوید: «وَلَا تَحْزَنُوا» غصه نخورید. مضطرب هم نباشید. چون خدا دارید، غصه نخورید. چون تا به الان هرچه شهید دادید، فیضش را برده‌اید. استفاده‌اش را کرده‌اید و قوی‌تر شدید. «وَلَا تَحْزَنُوا» اما یک شرط در آخر آیه دارد که همه مشروط به آن شرط است: «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». اگر شما مؤمن هستید. یعنی چه اگر شما مؤمن هستید؟ همه مسلمانیم. «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» می‌خواهد بگوید اگر خدا را باور دارید، اگر معاد را باور دارید، اگر قدرت خدا را باور دارید، این شرطش است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا» این هم دستور دوم مقام معظم رهبری.

پشتوانه مردم عامل تداوم انقلاب

نکته سومی که در فرمایشات مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در این پیام بود، این بود که زندگی عادی خودتان را داشته باشید. آنهایی که مشغول خدمات هستند کارهای خدماتی را با قدرت ادامه بدهند. آنهایی که مشغول تبلیغ و تبیین هستند، تبلیغ و تبیین خودشان را هم با قدرت ادامه بدهند. زندگی عادی و طبیعی خودتان را از دست ندهید. چرا؟ چون خدا در قرآن می‌گوید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱ دنباله‌رو پیغمبر باشید. پیغمبر چه کار کرد.

برادران و خواهران، از هجرت تا رحلت پیغمبر ﷺ ده سال طول کشید. نقل‌های مختلفی شده است. بر حسب یکی از نقل‌ها ۱۸۰ میدان جنگ در این ده سال اجرا شد. ۱۸۰ میدان جنگ را شما به ده سال تقسیم کنید هر یک ماه و نیم



پروردگارا، قلب نازنین امام زمان علیه السلام را از این مجاهدتها و مقاومت‌های قهرمانانه مردم ما خشنود و راضی بگردان. این فداکاری‌ها و جان نثاری‌ها را در رکاب خود حضرت و در کنار خود حضرت، مقبول نظر آن حضرت قرار بده!

پروردگارا! ارواح مطهره شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از پایمردی مردم ما در پای ستون خیمه این نظام خشنود و راضی بگردان.

سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار. خدایا، دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار از صفحه روزگار برانداز.

خدایا، به این دشمنان ناپاک ما ذلت و خواری را قبل از عذاب آخرت بچشان.

خدایا، ذلت اسرائیل و خواری امریکا و براندازی این جریان‌های کفر و استکبار را عبرت تمام جهانیان هرچه زودتر قرار بده.

.....

فهرست منابع:

۱. احزاب، ۲۱.

۲. تملک و تصرف ملک و عمار و زمین داری.

۳. ابراهیم، ۷.

خدایا! این مردم دارند امتحان پس می‌دهند، تو هم داری می‌بینی. فرشته‌ها هم دارند حسابشان را می‌کنند. در نامه‌های عمل این‌ها برایشان پرونده تشکیل داده‌اند. همه را هم برایشان حسابگری می‌کنند. این مردم دارند مجاهده می‌کنند. این مردم دارند مقاومت می‌کنند. این مردم ایستاده‌اند. خدایا، تو در قرآنت گفتی: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۳ اگر شما شکر کنید نعمت را زیادتر می‌کنم. همه این‌ها چرا ایستاده‌اند؟ اگر از یکایک مؤمنین بپرسند آقا چرا شما در مقابل اسرائیل ایستاده‌اید؟ چرا در مقابل امریکا ایستاده‌اید؟ چرا دارید مقاومت می‌کنید؟ می‌گویند یک چیز و آن اینکه امام ما آمد، این انقلاب را سرپا کرد گفت این انقلاب زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام است. ما هم ایستادیم. می‌جنگیم تا این موانع را از سر راه برداریم. این سنگلاخ‌ها را از جلوی راه امام زمانمان علیه السلام برداریم، آقایمان تشریف بیاورند. ما برای این ایستادیم.

خدایا! تو شاهی این مردم به این عشق دارند مقاومت می‌کنند، به همین عشق هم دارند شهید می‌شوند، به همین عشق هم دارند جان می‌دهند.

پروردگارا! پس بنابراین به حسب وعده‌ای که تو دادی «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» هرچه زودتر چشمان رمد دیده این مردم را به جمال دل‌آرای مولایشان بقیه‌الله روشن و منور بفرما!

